



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری - 31 شهریور / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به آقایان محترم خوشامد عرض می‌کنیم و به خاطر این دو روزی که صرف کردید و مسائل مهمی را در بین خود مطرح کردید، تشکر می‌کنیم و ایام بسیار بااهمیت ماه مبارک شعبان را هم که در حقیقت دهلیزی برای ورود به تالار ضیافت ماه مبارک رمضان است، تبریک عرض می‌کنیم. ان شاءالله بتوانیم به گونه‌ی عبور کنیم که لایق ضیافت در ماه رمضان باشیم.

نکات قابل توجهی را آقایان بیان کردند. آن طور که جناب آقای امینی یک گزارش جامع و مجملی از جلسات دادند، مسائل مهمی مطرح شده است. من اول به این پردازم، بعد دو، سه مطلب کوتاه را عرض می‌کنم. بسیاری از این دغدغه‌هایی که آقایان در نطق‌های پیش از دستور مطرح کرده‌اید، دغدغه‌های اساسی نظام است و شاید برای همه‌ی اینها یا اکثرشان، به وسیله‌ی مسئولان و دست‌اندرکاران اهتمام و تلاش‌هایی صورت گرفته، لیکن درعین حال وجود برخی از نابسامانیها ایجاب می‌کند که این دغدغه‌ها در ذهنها باشد و همت مسئولان و دست‌اندرکاران و کسانی که توانایی اقدام برای رفع این نابسامانیها را دارند، اختلال پیدا نکند و همتشان بر این معنا باشد؛ پابرجا باشد؛ دنبال شود؛ چون همه‌ی این مشکلات با همت، با تدبیر، با برنامه‌ریزی و با عمل، قابل برطرف شدن است. اگرچه کارهای زیادی هم حتماً و انصافاً انجام گرفته است.

جمهوری اسلامی در آغاز، یک امید دست نیافتنی بود. به ذهن بعضی، نظام اسلامی می‌آمد؛ اما مثل یک رؤیا، مثل یک آرزوی دست نیافتنی، تلقی می‌شد. بتدریج با تلاش و با مجاهدت، تبدیل شد به ایمان اجتماعی. جامعه، نخبگان و توده‌ی مردم ما در جای‌جای این ملت بزرگ، به این مبنا و به این اصل مؤمن شدند و این تبدیل شد به یک ایمان و به یک خواست. بعد از این که این ایمان تحقق پیدا کرد، باز در سایه‌ی مجاهدتها، تبدیل شد به برنامه‌ی عملی و تحقق در خارج، و انقلاب و حرکتهای اوایل پیروزی انقلاب و قانون اساسی را به دنبال خود آورد، بعد هم تبدیل شد به یک الگوی واقعی. الان جمهوری اسلامی، در دنیا یک الگو و یک حقیقت واقعی و موضوع مجسم است و علی‌رغم ناباوریه‌ها، یک واقعیت است. تأثیر این الگوی واقعی در توجه اذهان به اسلام و به امکان تحقق آن، از هزاران کتاب و سخنرانی بیشتر است؛ یعنی امروز در دنیای اسلام و در بین نخبگان و جوانان دنیای اسلام، این نسخه یک نسخه‌ی عملی، تحقق یافته و ملموس است؛ این طور نیست که بحث تئوریک و فلسفی بکنند و کسی را به چیزی قانع کنند؛ نه، این، اتفاق افتاده؛ نظامی بر پایه‌ی مبانی و احکام و ارزشهای اسلامی به وجود آمده و الان تحقق دارد. این نظام الان در خارج خودش را نشان می‌دهد و نسخه و الگویی برای دنیا شده است؛ هم برای دنیای اسلام، و هم در وجه ضعیف تری، برای ممالک غیراسلامی. آنچه که دشمنان گردن کلفت و قوی پنجه‌ی اسلام و جمهوری اسلامی از آن می‌ترسند، همین نسخه شدن و الگو شدن است. از موشک و اتم و این چیزها اسم می‌آورند، لیکن حقیقت قضیه این است که اینها از موشک و اتم و از چرخه‌ی سوخت و غنی‌سازی نیست که می‌ترسند، بلکه ترس اینها از این است که این الگو دارد خودش را بر ذهنیت و بر باور دنیای اسلام روزه روز بیشتر تحمیل می‌کند و ذهنیت، این واقعیت را دارد می‌پذیرد. می‌گفتند که این از بین خواهد رفت، می‌گفتند قابل ادامه نیست، می‌گفتند در زمینه‌های علمی، اقتصادی و مسائل دیگر کم خواهد آورد؛ اما دیدند این طور نیست.

ما از لحاظ علمی و سازندگی پیشرفت کردیم و آنچه در این کشور در بخشهای مختلف انجام شده، حقیقتاً می‌تواند الگو باشد. کار زیادی در همه‌ی بخشها در زمینه‌ی ترویج دین، در زمینه‌ی رشد، گسترش و ترویج علم، در زمینه‌ی شکوفایی استعدادها، در زمینه‌ی زیرساختهای عظیمی که برای اداره‌ی کشور و برای رفاه عمومی لازم بوده، و در زمینه‌های گوناگون، انجام شده است. در همین زمینه‌های فرهنگی و اخلاقی و در قبال ریزشهای آن، که آقایان



دغدغه اش را دارند و بحق هم است، شما رویشهای عجیبی را هم مشاهده می کنید. امروز نسل جوان محقق و عالم و فاضل و اهل تلاش علمی که به طور گسترش یافته بی در کشور وجود دارد؛ هم در دانشگاه ها، هم در حوزه ها، به وجود آمده اند؛ اینها حقایق و واقعیات است. این نشان دهنده بی این است که این موجود، قابل دوام، باثبات، قابل گسترش و قابل ریشه یافتن بود؛ دنیا این را می بیند.

این جمهوری اسلامی، امروز در مقابل نظام سلطه بی جهانی ایستاده است. به تعبیر سیاستمدارها، اپوزیسیون نظام سلطه جهانی، امروز جمهوری اسلامی است. تنها جایی که تمام قد در مقابل این نظام سلطه که مبتنی بر دو رکن سلطه گر و سلطه پذیر است - هیچ ثالثی وجود ندارد - ایستاده، جمهوری اسلامی است. کشورهای دیگر ممکن است گاهی حرفی بزنند، نمونه بی نشان بدهند؛ اما در مقابل این نظام سلطه نایستاده اند.

ما نظام شیطانی موجود در دنیا را با ارائه بی یک نظام صحیح، که منطبق بر عقل و بر خواست انسانهاست، تخطئه می کنیم. این نظام، نظامی است که متکی بر عدل در روابط همه بی انسانها با یکدیگر است؛ نه فقط در روابط انسانهای داخل کشور؛ لذا همه بی فراغه علیه ما ائتلاف کرده اند. شما ببینید که در دنیا کدامیک از فراغنه بی بزرگ و کوچک و از شیاطین قد و نیم قد بودند که با جمهوری اسلامی مخالفت و معارضة نکردند؛ اما ما بالاخره برهه های مختلف را گذراندیم و امروز مشاهده می کنید که جمهوری اسلامی محکم در مقابل همه بی اینها ایستاده است، و نشان می دهد که می تواند بایستد. و اگر ما خودمان - که حالا بعد عرض خواهیم کرد - مقداری خودمان را جمع و جور کنیم، مقداری بهتر کار کنیم، بیشتر بیندیشیم و قویتر عمل کنیم و جدیتر عزم به خرج دهیم، بسیاری از همین مشکلات و ریخت و پاشهایی که در اطراف مشاهده می شود، می توانیم جمع و برطرف کنیم.

نکته بی دوم این است که ما در نظام جمهوری اسلامی اهداف و مبانی و ارزشهایمان الهی است، لیکن ابزارها و روشها و انسانهایمان، مادی و بشری اند و آن اهداف الهی را هم صدیقین، انبیاء، معصومین و ملائکه نمی خواهند در جامعه بی ما عمل کنند، بلکه همین انسانها و آدمهای معمولی - که ملاحظه می کنید - می خواهند عمل کنند و آن اهداف والا و عالی را تحقق ببخشند. بنابراین، احتمال خطا و آسیب پذیری در همه جا وجود دارد. البته به خاطر همین خطاها هم است که آسیب پذیرها به وجود می آید؛ لذا یک وظیفه بی عمده بی همه بی مسؤولان در بخشهای مختلف، این است که دائماً خود را رصد کنند؛ خطاهای خودشان را شناسایی کنند و آن خطاها را اصلاح کنند و از خطاهای گذشته بی خودشان عبرت بگیرند؛ ما همه به این کار موظفیم و باید از اشتباهاتی که کرده ایم، یا اشتباهاتی که دیگران کرده اند، عبرت بگیریم و با دقت و پیگیری، اشتباهات و خطاهای خودمان را پیدا کنیم و آنها را برطرف کنیم.

در اهداف و مبانی، ملاک ما باید «فاستقم كما امرت» باشد. به هیچ وجه عدول از مبانی و عدول از ارزشها جایز نیست؛ اهداف، اهداف الهی است و هیچ تردید، شک یا ارتدادی از این اهداف جایز نیست؛ اما در روشها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه های همیشگی ما باشد؛ بینیم کدام روش ما، ولو به آن عادت کرده باشیم، غلط است، آن را عوض و اصلاح کنیم. باید مراقب باشیم که جایی این تعبیرات عوض نشود؛ یعنی ما در زمینه بی اهداف، می گوییم استقامت؛ باید جایی «هدف» را با «روش» اشتباه نکنیم. استقامت در روشها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است. در کار روشها آزمون و خطا جاری است. البته باید از تجربه ها استفاده کنیم که آزمون ما آزمون موفق باشد و نخواهیم که دائم تجربه کنیم و پشت سر هم اشتباه؛ اما در زمینه بی اهداف، بایستی قرص و محکم بایستیم و یک قدم پایین نیاییم. البته انحراف از هر دو نیز اشتباه است. بعضی به نام نواندیشی و به نام اصلاح، در هدفها تغییر ایجاد می کنند؛ در هدفها تجدیدنظر می کنند؛ اصلاح نیست؛ این برگشتن از راه و عقبگرد است؛ ارتجاع است. ما اگر امروز اهداف والای انقلاب اسلامی را، چه در زمینه های فرهنگی، چه در زمینه های اقتصادی، چه در زمینه های حکومتی و سیاسی، دست بزنیم و برگردانیم به سمت آنچه که احیاناً



دنیا - دنیای مادی و سلطه؛ دنیای تحت پنجه ی شیطان - هم از ما مطالبه می کند، این ارتجاع به گذشته است. در گذشته، در دوران طاغوت، همین اهداف دنیایی حاکم بود؛ منتها با ابزارهای بسیار فاسد و زشت و وابسته. ما نباید این ارتجاع را قبول بکنیم. اهداف ما اهداف الهی است؛ حکومت الله و توحید و رفتن به سمت جامعه ی حقیقی دینی و حاکمیت احکام الهی است. البته در نقطه ی مقابل، باید به نام صلابت، دچار تحجر هم نشویم و روشهایی را که امتحان کرده ایم و غلط از آب درآمده، رویش پافشاری نکنیم. بنابراین، بنده با شعار اصلاح صدرصد موافقم؛ اصلاح در روشها، اصلاح در شیوه ها، و استقامت در هدفها و مبانی. البته ممکن است کسی به نام اصلاح، بخواهد در مبانی دست ببرد؛ همچنان که غربیها این را خواستند. شما دیدید در این چند ساله در رسانه ها و در تبلیغات جهانی، دائماً روی اصلاح در ایران تکیه کردند. آنها نمی خواستند که اگر ما در زمینه ی اقتصادی اشتباهی داریم، یا در زمینه فرهنگی و تبلیغاتی ناپختگی داریم، آن را اصلاح کنیم، بلکه می خواستند ما در مبانی و در حاکمیت شرع و حاکمیت الله تجدیدنظر کنیم. این، همان اصلاحی است که ما همیشه در پیشبرد اهداف استکبار در ایران، مشاهده کرده ایم. رضاخان هم که آمد، به عنوان اصلاح آمد؛ او هم گفت می خواهم اصلاح کنم! این که ما در مبانی دست ببریم و در اهداف تجدیدنظر کنیم، اصلاح نیست؛ افساد است. اصلاح معنایش این است که ما با حفظ اهداف والا و صراحت در بیان آنها - نباید هیچ گونه تقیه یی در بیان اهداف و ارزشها و مبانی کرد. ما امروز یک دولت بزرگ و یک قدرت هستیم که ملتی پشت سر ما هستند. این جا، جای بیان حقیقت در مبانی اسلامی و در حاکمیت الله است؛ ما بایستی این جا حقیقت را بیان کنیم - در روشهای خودمان تجدیدنظر کنیم و ببینیم چه کاری بایست انجام می دادیم که نداده ایم، و چه کاری نباید انجام می دادیم که داده ایم.

من به عنوان انسانی که در جریان مسائل کشور از اول انقلاب تا حالا از نزدیک بوده ام، عرض می کنم که پیشرفتهایی ما در همه جا، ناشی از ایستادگی و استقامت بر پایه ی ارزشها بوده است؛ هر جا که استقامت کردیم و بر مبانی خودمان پافشاری کردیم و از آن کوتاه نیامدیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آن جا پیشرفت کرده ایم. این ایستادگی و پایداری، مهمترین چیزی است که ما می توانیم آن را وسیله قرار دهیم برای رسیدن به اهدافمان. البته باید شجاعت انقلابی را هم حفظ کنیم. آن انقلابی که در مقابل تهدید دشمنان انقلاب خود را عقب می کشد و پس می زند و می ترسد، نه مورد احترام دوست قرار می گیرد، نه مورد احترام دشمن؛ هیچ کس به یک ملت بزدل و ضعیف رحم نمی کند. آن انقلاب و حرکتی که در مقابل دشمنان خودش ضعف نشان بدهد، اول، آبرویش را می برند؛ حرمتش را می شکنند، بعد خودش را هم نابود و جارو می کنند و از بین می برند.

نکته ی آخر این که، مشروعیت همه ی ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی ها و کارآمدی مسؤولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. این که ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس جمهور، نماینده ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده ایم و با این شرایط گفته ایم این وظیفه را می تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می کند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه ی شعب و شاخه هایی که از آن متشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه ی مسؤولان در بخشهای مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدی این مسؤولیتهای ما، از صدر تا ساقه، هستند، بتوانند آنچه را که برعهده ی آنهاست، به قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ اما بایست انتظار تلاش موفق را، که در آن نشانه های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم. وظیفه ی همه ی ما اقامه ی قسط، اجرای عدالت، تربیت ملت و پیشرفت مادی و معنوی ملت و به تکامل رساندن



کشور و نجات آن از محرومیت است که در طول ده ها سال حکومت طواغیت و خارجیها بر آن تحمیل شده است. بسیاری از محرومیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و شما نشانه هایش را امروز در گوشه و کنار مشاهده می کنید، ناشی از حرکت عمومی طولانی است که حاکمیت طواغیت و ظلمه، مستبدان و مستأثران بر این ملت، به وجود آورده اند، که طبعاً تبعات و عواقبی دارد و رفعش مشکل است؛ اما ممکن هم است. بنده همچنان بعد از گذشت بیست و پنج سال، با مشاهده ی وضع کشور و وضع ملت، روزبه روز اعتقادم به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه ی شسته رفته ی رو به رشد شکوفا در همه ی ابعاد بیشتر شده است و معتقدم که با همین فکری که در قالب و چارچوب قانون اساسی مجسم و متجسد شده، می توان کشور را به رفاه و پیشرفت رساند؛ اما شرطش این است که ما کارآمدی خودمان و کارآمدی مسئولانمان را در همه ی انتخابها، در همه ی گزینشها و در همه ی انتصابها حفظ کنیم.

از خداوند متعال می خواهیم که ما را در این ماه شریف - که در این صلوات؛ «حففته منک بالرحمة و الرضوان» ماه رحمت و رضوان است ان شاءالله، و «الذی کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه بخوعاً لک فی اکرامه» - توفیق دهد تا از اکرام این ماه استفاده کنیم و آن اکرام این است که ما ان شاءالله خودمان و دل و جانمان را نزدیک کنیم به اهداف والای نظام اسلامی، و از موقعیت این ماه برای ایجاد خشوع و ذکر و توجه دل‌های خودمان استفاده کنیم و از خداوند متعال استمداد بطلبیم و به او توکل و تکیه کنیم، تا در همه ی احوال کمک کار ما ان شاءالله باشد. ان شاءالله ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله شامل حال همه ی آقایان باشد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته